

# A Revision of the Doctrine of Imamate in Qom Traditionist's Thought

## Research Article

Emamat Pajouhi  
Tenth Year, Vol. 1  
Spring & Summer 2020  
DOI:10.22034  
jep.2021.234004.1187  
jep.emamat.ir



Seyyed Ali Ahmadi Foroushani<sup>1</sup>

## Abstract:

Many scholars believe that the role of Qom traditionist in the maintenance of Hadith is incontrovertible. These endeavors cause that the matters about the Imamate to be maintained in the Imamite Hadith compilations, and known as the “doctrine of Imamate in Qom Traditionists’ view”. In this study, Qom Traditionists had a key role in explaining the theory of Imamate based on Traditions. On one hand, they were close to the time of the Imams and minor occultation era, and on the other hand, their oldness on Imamite Belief, demonstrates the necessity and importance of this revision. Therefore, the discovery of Qom traditionists depends on the study of Qom Traditions. Hence, within the study of Tradition narrated in this area and the explanation of four characteristics in the definition of Imamate in their view, the Imams’ virtues and the trusteeship and transmission of Imamate among the Qom traditionists will be discussed. In the definition of Imamate, the key concepts like divine caliphate and authenticity, scope and the status of Imamate in the genesis and legislation, and the main virtues of Imams, through the study of traditions, the method of designation of Imam, knowledge, and infallibility of Imam and other characteristics like the light creation and physical creation and nature are discussed. At last, the explicit designation (naṣṣ), miracle, and the superiority of Imam in the Qom traditionists’ views are studied.

**Keywords:** The Doctrine of Imamate, Qom Traditionists, The Scope of Imamate, Imam’s Knowledge, Imam’s Infallibility, Imam’s Miracle

---

1. Level 4 of Qom Seminary, Scientific Deputy of Special Center of Mission.  
saahmadi110@yahoo.com

# سبر نظرية الإمامة في فكر المحدثين القميين

السيد علي أحمددي فروشاني<sup>١</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشى  
السنة العاشرة  
العدد الأول، ربيع  
وصيف سنة ٢٠٢٠  
jep.emamat.ir



## ملخص

يرى الباحثون أنّ الجهود التي بذلها المحدثون القميين في الحفاظ على بحوث الإمامة جهود استثنائية لا يمكن إنكارها وأنّه بفضل تلك الجهود ظلّت موضوعات الإمامة وقضاياها محفوظة بواسطة نقل الحديث في المصادر الروائية الإمامية حتّى عُرفت فيما بعد بـ (نظرية الإمامة في فكر المحدثين القميين). وبالاستناد إلى البحوث والتحقيقات التي تمّت فقد كان للمحدثين القميين تأثير كبير في بيان فكرة الإمامة على أساس الروايات، وكان لقرّبهم من زمن الحضور والغيبة الصغرى وسبقهم في الإيمان بمعتقدات الإمامية أهمية كبيرة في ضرورة البحث والتقصّي، ومن هنا فإنّ الكشف عن (نظرية الإمامة) بين المحدثين القميين مرتبط بالبحث في روايات المحدثين القميين.

ومن خلال البحث في روايات المحدثين في قم وبيان المميّزات الأربع الرئيسة في تعريف الإمامة من وجهة نظرهم يمكن الخوض في الصفات الأصلية للإمام وكذلك مسألة تولّي الإمامة وانتقالها بحسب رأيهم. وقد تمّت الإشارة فيما يتعلّق بتعريف الإمامة إلى بعض المفاهيم الدليلية مثل الخلافة والحجّة الإلهية وحدود الإمامة ونطاقها إلى جانب منزلة الإمامة في نظام التكوين والتشريع فضلاً عن بيان الخصائص الرئيسة للإمام - بالاستناد إلى الروايات المذكورة - وعملية تنصيب الإمام وعلمه وعصمته، وكذلك بعض المواصفات الأخرى مثل الخلقة النورية والجسمية وأصل الإمام وغير ذلك.

كما تمّ الخوض في آخر البحث في مسألة الانتقال بالنص وإعجاز الإمام وفضيلته من وجهة نظر المحدثين القميين.

**الكلمات الدليلية:** نظرية الإمامة؛ المحدثون القميون؛ نطاق الإمامة؛ علم الإمام؛ عصمة الإمام؛ إعجاز الإمام.

١. خريج المستوى الرابع في الحوزة العلمية، قم، ومدير القسم العلمي في مركز (تبليغ) الاختصاصي؛

# واکاوی «نظریه امامت» در اندیشه محدثان قم\*

سید علی احمدی فروشانی<sup>۱</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی  
امامت‌پژوهی، سال دهم  
شماره اول، شماره پیاپی ۲۷  
بهار و تابستان ۹۹  
صفحه ۹ - ۴۰

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.234004.1187



## چکیده

به باور محققان، تلاش محدثان قم در ماندگاری مباحث امامت انکارناشدنی است. این تلاش‌ها سبب شد تا موضوعات و مسائل امامت - به شیوه نقل حدیث در منابع روایی امامیه - ماندگار شده و به «نظریه امامت در دیدگاه محدثان قم» شهره و شناخته شود. بنا بر تحقیق صورت گرفته، محدثان قم تأثیر بسزایی در بیان اندیشه امامت بر پایه روایات داشته‌اند. از یک سو، نزدیک بودن زمان آنها به دوران حضور و غیبت صغری و از سوی دیگر، قدمت آنان در اعتقاد به باورهای امامیه، ضرورت و اهمیت این واکاوی را آشکار می‌کند. از این رو، کشف «نظریه امامت» در میان محدثان قم به بررسی روایاتِ راویان قم وابسته است. در این راستا، ضمن بررسی روایات محدثان این خطه و بررسی و تبیین چهار شاخصه در تعریف امامت از دیدگاه آنان، به ویژگی‌های اصلی امام و همچنین مسئله تولیت و انتقال امامت در نگاه محدثان قم پرداخته شده است. در تعریف امامت، به مفاهیم کلیدی‌ای چون خلافت و حجیت پروردگار، قلمرو و گستره امامت و همچنین جایگاه امامت در نظام تکوین و تشریح اشاره شده و در مقام بیان ویژگی‌های اصلی امام نیز - با استناد به روایات وارده - شیوه نصب امام، علم و عصمت امام و در دیگر ویژگی‌ها از جمله خلقت نوری، خلقت جسمانی و سرشت تبیین شده‌اند. در بخش پایانی نیز به انتقال به نص، اعجاز و افضلیت امام از نگاه محدثان قم پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه امامت، محدثان قم، گستره امامت، علم امام، عصمت امام، اعجاز امام.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۵.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، ایران؛ saahmadi110@yahoo.com

## مقدمه

امامت و رهبری جامعه اسلامی از صدر اسلام مورد توجه و پذیرش همه مسلمانان بوده و گفت‌وگوهای مختلفی درباره آن صورت گرفته است. پیروان امامان علیهم‌السلام بر الهی بودن امامت و مخالفان شیعه برانتخابی و مردمی بودن آن استدلال کرده و به نقد دیدگاه‌ها پرداخته‌اند که در نتیجه، به نگاشتن آثار و کتاب‌هایی در این زمینه انجامید. این تلاش در هر دورانی با ویژگی‌هایی همراه بوده است. در برخی از دوره‌ها به تناسب آن زمان تنها به نقل و بیان روایات و اخبار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام بسنده می‌شد و در برخی دوره‌ها نیز افزون بر نقل احادیث، به تبیین مفاد و محتوای احادیث و روایات و بررسی کیفیت استدلال و استناد به آنها و ارائه ادله عقلی نیز پرداخته می‌شد و در مقام اثبات امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام برمی‌آمدند. از این رو، می‌توان متکلمان را به دو گروه (محدث\_ متکلمان و متکلمان نظریه پرداز) تقسیم کرد.<sup>۱</sup> برخی از این گفت‌وگوها و نگارش‌ها ناظر به اصل «نظریه امامت» و برخی نیز ناظر به ویژگی‌ها و حواشی آن هستند.<sup>۲</sup> با این توضیح، لازم است برای بازشناسی تبیین گذشتگان و اظهار نظر آنها بر اساس روایات، به آثار باقی مانده از آن مدارس رجوع شود و نظریه‌هایی که در دوره‌های مختلف مطرح بوده‌اند، کشف شوند.

توجه به آثار باقی مانده از قرون اولیه تشیع، زمینه تحقیقات گوناگون محققان و نویسندگان را فراهم آورده است. برخی از این تحقیقات، که عمدتاً تلاش‌های شرق شناسان برون مذهب غربی هستند، عبارتند از: کتاب ایمان و اعتقاد شیعیان نوشته اتان کلبرگ،<sup>۳</sup> نخستین اندیشه‌های شیعی نوشته آرزینا لالانی،<sup>۴</sup> دوران شکل‌گیری شیعه دوازده امامی اثر آندره نیومن.<sup>۵</sup> دیگر افراد درون مذهب

۱. سبحانی، محمد تقی، «کلام امامیه؛ ریشه‌ها و رویش‌ها» نقد و نظر، ۶۵/ ۵-۳۷؛ اقوام کرباسی، اکبر، «مدرسه کلامی کوفه»، نقد و نظر، ۶۵/ ۳۸-۶۵.

۲. جمعی از پژوهشگران، جستارهایی در مدرسه کلامی قم، «مدرسه کلامی قم»، سید حسن طالقانی.

3. Belief and Law in Imami Shi'ism.

4. Early Shii Thought The Teachings.

5. The Formative Period of Twelver Shi'ism Hadith as Discourse Between Qum and Baghdad.

نیز در این زمینه تلاش‌های قابل توجهی داشته‌اند و از جمله می‌توان به کتاب مکتب در فرایند تکامل اثر سید حسین مدرسی طباطبایی و پیشوای الهی در شیعه نخستین نوشته محمد علی امیرمعزی<sup>۱</sup> اشاره کرد. در این نوشتار، تلاش شده تا بر اساس نگاه تاریخ کلامی به آثار به جا مانده از محدثان قم، به نظریه امامت آنان و باور آنان به تعریف امامت و شرایط آن پرداخته شود.

شناخت نظریه محدثان قم از آن جهت مهم است که محدثان قم در عصر حضور امامان علیهم‌السلام می‌زیستند و در کنار نقل روایات اهل بیت علیهم‌السلام، عقاید خود را آشکار می‌کرده‌اند. دریافت عقیده محدثان قم در عصر حضور، می‌تواند ما را به یک عقیده شکل گرفته در آن عصر رهنمون سازد. بنابراین، وجود یک باور در دوران حضور امامان علیهم‌السلام و پذیرش آن در بیان اصحاب آنان و استمرار آن در دوره‌های بعد، فرضیه جعل و یا اختصاص آن به گروهی خاص را نفی می‌کند. از همین جهت، با آشکار شدن نظریه امامت محدثان قم می‌توان برخی فرضیه‌های محققان و شیعه‌پژوهان معاصر را مخدوش دانست. برخی نویسندگان معاصر، نظریه‌هایی مطرح کرده‌اند از جمله این که امامت باوران متقدم، برای امام مقام حکومت داری قائل نبودند و امام را صاحب منصب دنیایی نمی‌دانستند. اینان امامت را یک منصب باطنی و معنوی دانسته و از این جایگاه، مقامات ظاهری را دور دانسته‌اند.<sup>۲</sup> برخی دیگر نیز بر این اعتقادند که شیعیان متقدم، امام را برخوردار از علم و عصمت گسترده نمی‌دانستند و باورمندی به این اعتقاد در طول دوره‌های باورمندی به امامت شکل گرفته است. بر همین اساس، اعتقاد شیعیان به برخی مقام‌ها که امروزه برای امام قائل هستند را بی‌استناد به عصر حضور و ساخته و پرداخته دست برخی متکلمان دوران غیبت می‌دانند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، برخی نیز باورهای دوران حضور و پس از حضور - همچون علم غیب و ولایت تکوینی - را

1. The Divine Guide in Early Shi'ism.

۲. امیرمعزی، محمد علی، تشیع: ریشه‌ها و باورهای عرفانی، ص ۲۸۶-۲۹۱؛ علی آقانوری، ابوالفضل هادی منش، «بررسی و نقد اندیشه امیر معزی در باب امامت سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام»، پژوهش‌نامه امامیه، ۳/ ۴۷-۷۲.

۳. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ص ۸.

ساخته و پرداخته مفوضه و غلات معرفی کرده<sup>۱</sup> و تنها محدثان قم را عاری از هرگونه غلو و مانع هرگونه بلندپروازی در رابطه با مقام ائمه علیهم السلام می دانستند.<sup>۲</sup> بررسی دقیق آثار محدثان کلامی قم می تواند این ادعاها را بی اساس سازد.

روش تحقیق این نوشتار نیز این گونه بوده که با بررسی دیدگاه مهم ترین اعلام و شخصیت های مربوط به محدثان قم در میان آثار برجای مانده از ایشان، دیدگاه امامتی هر شخصیت آشکار می شود. برای کشف «نظریه امامت»، ابتدا تعریف امامت با سه شاخصه «مفاهیم کلیدی، قلمرو و گستره امامت، و جایگاه امامت در نظام تکوین و تشریح» بررسی می شود و پس از پرداختن به ویژگی های اصلی امام همچون شیوه نصب امام، عصمت و علم امام، تولید و انتقال امامت با سه شاخصه «نص، افضلیت و اعجاز» بررسی می شود.

### نظریه امامت در میان خطوط فکری محدثان قم

در میان محدثان قم، سه خط فکری مهم قابل شناسایی اند که هر یک فعالیت های علمی قابل توجهی داشته اند.<sup>۳</sup> احمد بن محمد بن عیسی اشعری از مهم ترین شخصیت های علمی حوزه حدیثی قم بوده و سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن یحیی العطار و محمد بن حسن صفار از شاگردان او بوده اند. سعد بن عبدالله اشعری و محمد بن حسن صفار هر دو دارای کتاب هستند که کتاب محمد بن حسن صفار هم اکنون موجود بوده و کتاب سعد بن عبدالله توسط حسن بن سلیمان حلّی خلاصه شده و تنها خلاصه آن در اختیار ماست. طبقه بعدی این خط فکری محمد بن حسن بن ولید - معروف به ابن ولید - و شاگرد او محمد بن علی بن بابویه قمی - معروف به شیخ صدوق - است. بسیاری از آثار این خط فکری در کتب شیخ صدوق متبلور است. ویژگی این

۱. همان، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. جمعی از پژوهشگران، جستارهایی در مدرسه کلامی قم، «مدرسه کلامی قم»، سید حسن

طالقانی، ص ۲۲.

خط فکری، توجه به روایات مسند از راویان شناخته شده با مفاهیمی صحیح و قابل قبول است. محمد بن خالد برقی نیز شخصیتی است که در قم صاحب اثر بوده و روایات او توسط فرزند او احمد در کتاب شناخته شده اش به نام المحاسن به دست ما رسیده است. این کتاب دارای هشتاد بخش و باب بوده که هم‌اکنون تنها پانزده باب از آن در اختیار ماست. این خط فکری به نقل از شخصیت‌های ضعیف و نقل روایات مُرسل متهم شده و به همین جهت، احمد بن محمد بن خالد برقی توسط احمد بن محمد بن عیسی از قم اخراج شد. گفتنی است که احمد اشعری از این کار خود پشیمان شد و او را با احترام به قم بازگرداند.

شخصیت دیگر محدّثان قم، «ابراهیم بن هاشم» است. او از شاگردانش یونس بن عبدالرحمن و هشام بن حکم بوده و آثار ایشان را نقل کرده است. او سهم بسزایی در انتقال حدیث از کوفه به قم داشته است. آثار به جا مانده از او توسط فرزندش علی بن ابراهیم بن هاشم نقل شده است. او دارای آثار متعددی بوده که تنها کتاب به جا مانده از ایشان تفسیر قمی است. شاگرد برجسته این خط فکری در طبقه بعد، محمد بن یعقوب کلینی است که کتاب ارزشمندش با نام الکافی، الگوی کاملی از نظام اعتقادی شیعه را نشان می‌دهد. او در این کتاب - افزون بر آثار قمی و ابراهیم بن هاشم - آثار باقی مانده از دیگر شخصیت‌های برجسته قم همچون احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن خالد برقی را نقل کرده است. کتاب الکافی، جلوه‌گاه آثار همه شخصیت‌های قم بوده که با توجه به این کتاب می‌توان به آرای دیگر شخصیت‌ها پی برد.

برای کشف «نظریه امامت» در نزد هر گروهی لازم است چهار بخش مهم اندیشه امامتی آن گروه بازخوانی شود. این چهار بخش می‌تواند نظریه امامت را آشکار سازد که عبارتند از تعریف امامت، ویژگی‌های اصلی امامت (نصب امام، عصمت و علم امام) و همچنین دیگر ویژگی‌های امامت و مرحله تولیت و انتقال امامت. با تبیین این چهار بخش می‌توان فهمید که «امامت» چه جایگاهی در نگاه یک شخصیت یا یک گروه خاص دارد، چه شئونی می‌تواند داشته باشد، از کجا آغاز

می‌شود و تا چه زمانی ادامه خواهد یافت. در این راستا و برای کشف نظریه امامت محدثان قم باید این چهار بخش آشکار شود.

## تعریف امامت

برداشت هر فرد و گروهی از امامت بر اساس تعریفی است که از امامت در ذهن آنان نقش بسته است و از همین رو، به دست آوردن تعریف «امامت» از مهم‌ترین و پایه‌ترین بحث‌ها در باب امامت است. برای کشف این مهم، سه شاخصه مدّ نظر قرار گرفته که با توجه به این سه می‌توان تعریف و تلقی هر گروهی از امامت را به دست آورد. این سه عبارتند از «مفاهیم کلیدی، قلمرو و گستره امامت و همچنین جایگاه امامت در نظام تکوین و تشریح».

## مفاهیم کلیدی

«امامت» در نگاه هر جریان و در نظر هر شخصیتی، دارای مفاهیمی کلیدی است که می‌تواند نشان‌دهنده نوع نگاه آن جریان یا شخصیت به امامت باشد. در آثار هریک از سه شخصیت برجسته محدثان قم و پیروان ایشان، مفاهیم کلیدی‌ای پدیدار است که هر کدام در باور به امامت تأثیرگذارانند که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود.

در میان روایات باقی مانده از احمد بن محمد بن عیسی اشعری، کلیدواژه‌های متنوعی از امامت به دست آمده است. حجّیت و خلافت امام با کلیدواژه‌هایی همچون «حجة الله»<sup>۱</sup> یا «حجة البالغة»<sup>۲</sup> و «خليفة الله»<sup>۳</sup> بیان شده

۱. صفّار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۶۱، ۶۳، ۸۳، ۴۸۴، ۴۸۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۱۴۵، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۰۳، ۳۸۲؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۴/ ۱، ۲۰۲، ۲۲۱، ۳۳۹.

۲. صفّار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۱۰۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۱۶۲، ۱۹۲، ۱۹۶؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان، ۱/ ۲۰۳.

۳. صفّار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۷۱ و ۱۲۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/ ۱۲۲؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان، ۱/ ۲۰۲.



است. واژه‌های «حجة الله» و «خليفة الله» می‌رسانند که خط فکری اشعری به حجیت امام از سوی خدا اعتقاد دارد. «حجّت» از ریشه «ح ج ج» به معنای قصد است و «حجة»، یعنی طریق برای رسیدن به مقصود. از این رو، «حجة الله» به معنای طریق و مقصد برای رسیدن به خداوند متعال است. «حجة الله» فردی است که خداوند او را برگزیده تا طریق بندگان برای رسیدن به خویش باشد و به همین سبب، باید برخوردار از ویژگی‌ها و اوصافی باشد که اهداف وجود حجّت را محقق سازد؛ همانند دانشی که با آن بتواند انسان‌ها را به خداوند برساند و اطمینانی که مردم بتوانند به او اعتماد کنند و دیگر لوازم و شرایطی که لازمه واسطه و طریق بودن او میان مردم و خدای سبحان است.<sup>۱</sup> در نتیجه، اصطفاء و نصب امام و علم و عصمت امام که از لوازم حجة الله بودن است، قابل پذیرش این گروه است و می‌توان اینان را معتقد به مفاهیم یادشده دانست. کلیدواژه «الحجة البالغة» براین دلالت دارد که حجیت امام به گونه‌ای است که اگر کسی در پی حق باشد، بر او آشکار خواهد شد و بدین سان حجّت بر مردم تمام شده و کسی معذور نخواهد بود.

از واژه‌های «اعلام الله»،<sup>۲</sup> «ائمة الهدی»،<sup>۳</sup> «علماً بیناً»،<sup>۴</sup> «هادياً نيراً»،<sup>۴</sup> «كلمة التقوى»، «عروة الوثقی»<sup>۵</sup> می‌توان جنبه هدایت‌گری امام را برداشت کرد. در روایات، هدایت‌گری امام با واژه‌هایی معرفی و نشان داده شده است. در برخی موارد با واژه هدایت و مشتقات آن بیان شده و گاه با لوازم و آثار و یا اوصافی که لازمه آن هدایت‌گری امام است. از جمله این واژه‌ها «عَلَم» و «عروة الوثقی» است. با توجه به کاربرد عَلَم که راهنمایی افراد به سمت و سوی خاص است، هدایت‌گری

۱. احمدی، سید علی، «مفهوم حجة الله و شرایط و اوصاف آن براساس آیات و روایات»، فصلنامه

کلام و ادیان پژوهشگاه خاتم النبیین، ش ۲.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۲۰۳.

۴. همان.

۵. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان.

از واژه علم قابل برداشت است.<sup>۱</sup> همچنین توجه به مفهوم «عروة الوثقی» می‌تواند آموزه هدایت‌گری امام را تقویت کند. «عروة الوثقی» به ریسمانی محکم گفته می‌شود که با چنگ زدن به آن از پراکندگی و گمراهی جلوگیری می‌شود.<sup>۲</sup> به‌کارگیری واژه‌هایی چون «باب الله»، «سبیل الله»<sup>۳</sup> و «وجه الله»<sup>۴</sup> نشان می‌دهد که امام در تفکر احمد اشعری، طریق رسیدن به خدا است. سبب این تعبیر را باید در مفهوم الفاظ «باب» و «سبیل» و «وجه» جست‌وجو کرد. از این الفاظ می‌توان برداشت کرد که خداوند متعال برای قُرب به خود راهی قرار داده که با پیمودن غیر این راه نمی‌توان به قُرب الهی نائل شد. نکته دیگر کلیدواژه‌های یادشده، تشبیه امام به «باب» است. وجه شباهت امام به باب این است که همان‌گونه که برای ورود به خانه باید از درب آن وارد شد، برای رسیدن به قُرب الهی نیز باید به امام توجه کرد. همچنین توصیف امام به «وجه الله»، از آن رو است که برای توجه به هرکسی به صورت او توجه می‌شود و بنا بر این، برای توجه به خداوند باید به امام توجه کرد.<sup>۵</sup>

همچنین از واژه «لسان الله»<sup>۶</sup> می‌توان استفاده کرد که پیروان خط فکری احمد اشعری امام را سخنگوی خداوند والا می‌دانستند. بنابراین، سخن امام سخن خداوند والا است و امام، زبان خدا در میان مردم است؛ چنانکه دعوت‌کننده به خدا نیز هست. واژه «دعاة الله»<sup>۷</sup> که جمع داعی به معنای دعوت‌کننده است

۱. مازندرانی، ملا محمد صالح، شرح الکافی، ۵/ ۲۸۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۲۳/ ۳۵.

۳. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۱۹۹.

۴. همان، ص ۶۱.

۵. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱/ ۱۱۵؛ مازندرانی، ملا محمد صالح، همان، ۴/ ۲۸۷؛ مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۲/ ۱۱۳.

۶. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۶۱-۶۲، ۶۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۱۴۵.

۷. همان، ۱/ ۲۰۳.

نیز بر همین نکته دلالت دارد. «رعاة» - جمع «راعی» از ماده «رعی» - به معنای حفظ و مراقبت است.<sup>۱</sup> روایاتی از خط احمد اشعری که در آنها امام به «رعاة الله علی خلقه»<sup>۲</sup> توصیف شده است، در مقام توجه دادن به جنبه هدایت‌گری امام هستند؛ زیرا امام ناپسندها و سختی‌ها را به امت گوشزد می‌کند و مانع رسیدن مشکلات به امت می‌شود و آنان را به خیرات و امور خوشایند رهنمون می‌سازد. در سوی دیگر محدثان قم، ابراهیم بن هاشم و فرزند او علی بن ابراهیم وجود دارند که فعالیت قابل توجهی در قم داشته‌اند. در نزد این گروه نیز مفاهیم کلیدی «امامت» قابل مشاهده است؛ همانند «حجیت امام»<sup>۳</sup>، «سخن‌گو بودن امام از سوی خدا»<sup>۴</sup>، «هدایت‌گری امام»<sup>۵</sup>، «امین خدا بودن امام در روی زمین»<sup>۶</sup> و «شاهد بر مردم از سوی خدا بودن»<sup>۷</sup>. می‌توان از این مفاهیم برداشت کرد که ابراهیم بن هاشم به بیشتر مفاهیم امامتی احمد اشعری باورمند است.

شخصیت سوم جریان فکری محدث - متکلمان، محمد بن خالد برقی است. او و فرزندش احمد بن محمد نیز به مفاهیم کلیدی متعددی در تعریف و توصیف امامت - همچون «حجیت»<sup>۸</sup> و «حجة بالغه بودن امام»<sup>۹</sup>، «شهادت و امین خدا بودن امام»<sup>۱۰</sup>، «هدایت‌گری و دعوت‌کننده به خدا بودن امام»<sup>۱۱</sup>، «واسطه‌گری امام برای رسیدن به خدا»<sup>۱۲</sup> - باورمند بوده‌اند. چنانکه آشکار و عیان است، او نیز به بیشتر

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۴۰۸/۲.

۲. همان.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۷۸/۱.

۴. همان، ص ۱۶۸.

۵. همان، ص ۱۹۱.

۶. همان، ص ۲۲۳.

۷. همان، ص ۱۹۱.

۸. همان، ص ۱۷۷؛ صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۴۸۷.

۹. همان، ص ۱۹۲.

۱۰. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۸۹/۱.

۱۱. همان.

مفاهیم کلیدی امامتی در نزد دو شخصیت علمی پیشین اشاره کرده است. از این مطالب می‌توان دریافت که مفاهیم کلیدی در نزد این سه شخصیت مهم تفاوتی با یکدیگر ندارند. هر سه شخصیت برحسبته قم امام را به «حجة الله» و «خلیفة الله» توصیف کرده‌اند و با توجه به مفاهیم «حجّت» و «خلیفة» می‌توان برداشت کرد که اگر از محدثان قم جز این دو عنوان روایات و عناوین دیگری نبود، می‌توان به محدثان قم اعتقاد به نصب و علم و عصمت امام را نسبت داد؛ زیرا لازمه حجیت و خلافت الهی، نصب، اصطفاء و در پی آن علم و عصمت است.<sup>۱</sup> همچنین می‌توان از واژه «خلیفة» استفاده کرد که «امام» - در نگاه محدثان قم - برتر از ملائکه است؛ چنانکه حضرت آدم ع‌ل‌یه‌السلام ابتدا خلیفة خداوند شد و سپس مسجود ملائکه گردید.<sup>۲</sup>

### قلمرو و گستره امامت

بخش دیگری که به کشف تعریف امامت از یک خط فکری می‌انجامد، توجه به قلمرو و گستره امامت است. مقصود از قلمرو و گستره امامت این است که در نگاه یک شخصیت، امامتِ امام چه حوزه‌ها و حیطه‌ای را در بر می‌گیرد و تا چه اندازه گسترده است. آیا تنها منحصر به انسان‌ها است یا شامل جنّ و ملک نیز می‌شود و آیا تنها در این دنیا است یا پیش از این دنیا و پس از این دنیا را نیز در بر می‌گیرد. در این بخش نیز به بیان و بررسی اعتقاد و تفکر سه شخصیت مهم قم پرداخته می‌شود.

از عباراتی که توسط احمد اشعری و شاگردانش نقل شده، می‌توان برداشت کرد که گستره امامتِ امام چنان گسترده است که تمام خلق الهی - اعم از انس، جن و ملک - را در بر می‌گیرد. در برخی روایات، امام به عنوان «عَلَمًا لَخَلْقِهِ»<sup>۳</sup> و یا «اماماً

۱. احمدی، سید علی، «مفهوم حجة الله و شرایط و اوصاف آن براساس آیات و روایات»، فصلنامه

کلام و ادیان پژوهشگاه خاتم النبیین، ش ۲.

۲. بقره: ۳۰-۳۴.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۲۰۳-۲۰۴.

لخلقه»<sup>۱</sup> معرفی شده است. می‌توان از واژه «امام» رهبری و فرمانروایی بر همه خلق را استفاده کرد. بنابراین، می‌توان واژه «خلق» را با توجه به واژه «اماماً» حوزه شمول و گستره امامت امام دانست و آن را دربرگیرنده همه مخلوقات - چه موجودات دیدنی و چه نادیدنی - دانست. از تعبیر دیگری همچون «عین الله» و «شهداء الله»<sup>۲</sup> نیز می‌توان چنین برداشت و استفاده‌ای کرد. «امام» - در برخی نقل‌ها - به محل رفت و آمد ملائکه<sup>۳</sup> و اجنه<sup>۴</sup> توصیف شده است. رفت و آمد اجنه و ملائکه تنها برای حضور و تشرّف نیست، بلکه گاه برای اظهار اعتقاد به امامت و آگاهی از تکالیف ایشان است. بنابراین، حضور جنّ و ملک نشان دهنده گستردگی حوزه شمول امامت است و این که از انسان‌ها فراتر می‌رود. از واژه «امام صامت»<sup>۵</sup> می‌توان برداشت کرد که در نظر این گروه، در یک زمان بیش از یک امام نخواهد بود. مقصود از نبودن بیش از یک امام در یک زمان، نفی حجیت از امام لاحق نیست؛ زیرا همه ائمه معصومین علیهم‌السلام از بدو تولد «حجة الله» هستند، ولی منصب امامت - به مقتضای شرایط و ویژگی‌های خاص آن - تنها در اختیار یک نفر قرار می‌گیرد. بنابراین، «امام صامت»، امامی است که دارای همه شرایط امامت است، ولی هنوز منصب امامت از سوی خداوند سبحان به او اعطا نشده و پس از رحلت امام سابق، به امام لاحق منتقل خواهد شد.

با توجه به آثار موجود از ابراهیم بن هاشم قمی، به دست می‌آید که گستره امامت امام برکل اهل ارض و عباد است.<sup>۶</sup> «اهل ارض» در اینجا قطعاً جنّ و انس هستند،

۱. همان، ص ۴۱۰.

۲. «نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرُ» (صقار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۸۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۱۴۳، ۱۴۵).

۳. صقار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۹۵؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۲۱، ۳۹۳-۳۹۴.

۴. همان، ۱/ ۳۹۴.

۵. صقار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۴۸۶، ۵۰۵، ۵۱۱، ۵۱۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۱۷۸، ۳۲۱.

۶. همان، ۱/ ۱۷۹.

ولی شاید ادعا شود که اهل الارض، شامل «مَلک» نمی‌شود؛ زیرا «مَلک» در روایات به «اهل السموات» اطلاق شده و به تعبیری، شمول واژه «عباد» بر جن و انس آشکار است، ولی شمول آن بر «ملائکه» امری قابل تأمل است؛ زیرا ممکن است ادعا شود که گستره امامت مربوط به دایره تکلیف است که در این صورت، ملک را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا «مَلک» - همچون انسان و اجنه - حق انتخاب و اختیار ندارد. البته، این مطلب قابل تردید است؛ زیرا ملائکه در عین این که مرتکب معاصی نمی‌شوند، در انجام فرامین الهی حق انتخاب دارند و در صورت کوتاهی، عقاب خواهند شد؛ چنان‌که برای فطرس ملک رخ داد.<sup>۱</sup>

دایره و گستره امامت امام، در نگاه احمد برقی - همانند احمد اشعری - چنان گسترده است که تمامی مخلوقات را در بر می‌گیرد. در آثار نقل شده از او، امامت امام از «مَنْ دُونَ السَّمَاء» آغاز شده و تا «مَنْ فَوْقَ الْأَرْض» ادامه می‌یابد.<sup>۲</sup> به یقین، «فوق الارض» شامل همه انسان‌ها و اجنه می‌شود. افزون بر این، می‌توان استفاده کرد که تعبیر «دون السماء» شامل ملائکه نیز خواهد شد؛ زیرا اگر مقصود از «دون السماء» آسمان اول باشد، قطعاً ملائکه‌ای که در زمین و تحت آسمان اول در رفت و آمدند را در بر می‌گیرد و اراده حقیقی از «مَنْ دُونَ السَّمَاء» شامل ملائکه نیز می‌شود و اگر مراد از «السماء» همه آسمان‌های هفتگانه باشد، باز هم شامل ملائکه می‌شود. از تعابیر دیگر نیز برداشت می‌شود که «حجیت امام» بر همه بندگان و در میان همه مخلوقات است<sup>۳</sup> که شامل جن و انس و

۱. «إِنَّ اللَّهَ عَرَّضَ وِلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَبِلَهَا الْمَلَائِكَةُ وَأَبَاهَا مَلَكٌ يُقَالُ لَهَا [لَهُ] فُطْرُسٌ فَكَسَرَ اللَّهُ جَنَاحَهُ» (صَفَّار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۶۸/۱)؛ «مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ فُطْرُسٌ كَانَ مِنَ الْحَمَلَةِ فُبِعَتْ فِي شَيْءٍ فَأَبْطَأَ فِيهِ فَكَسِرَ جَنَاحَهُ» (مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصية، ص ۱۶۴؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۶۶؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، ص ۱۳۷؛ ابن عبد الوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۶۸؛ منسوب به طبری، ابن رستم، دلائل الامامة، ص ۱۹۰). در همین موضوع، نک: شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۲۸۲/۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۹۲/۱.

۳. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ عَلَيْنَا عِلْمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ» (برقی، احمد بن محمد، المحاسن،

ملک می‌شود. همچنین نزول ملائکه به محضر امام، دلیل و شاهدی بر شمول امامتِ امام بر ملائکه نیز هست.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب یادشده، می‌توان دریافت که در آثار باقی مانده از محدثان قم و با مقایسه آثار شخصیت‌های یادشده، دایره تصرفات امام فراتر از نوع بشر است. ولایتِ امام به معنای حق تصرف و امر و نهی، منتهی به انسان نمی‌شود و جن و ملک را نیز در بر می‌گیرد. بدیهی است که گستره ولایت به این معنا در دایره تشریحات می‌گنجد و در مواردی که مخاطب امر، اختیاری از خود نداشته باشد به دایره تکوینیات وارد می‌شود. امر و نهی به ملائکه، به گونه‌ای نیست که وارد دایره تکوینیات شود؛ زیرا ملائکه دارای اراده و اختیار هستند و به اجبار، اطاعت نمی‌کنند. بنابراین، بر فرض انحصار ولایتِ امام در تشریحات، انحصار آن در جن و انس قابل تردید است. با این وصف، می‌توان دریافت که اذعان و اعتقاد همه محدثان قم این است که دایره امامتِ امام شامل همه انواع بندگان - اعم از جن و انس و ملک - می‌شود و مقصود از تعبیر «خلق» در روایات، مخلوقات هستند که دارای تکالیف هستند و با اختیار خود برمی‌گزینند. نکته دیگر، تصریح به تعبیر «امام ناطق» و «امام صامت» است که تنها در آثار احمد اشعری آمده است. از این تعبیر می‌توان برداشت کرد که در هر زمانی تنها یک امامت می‌کند و امام لاحق در دوران امام سابق تحت فرمان امام عصر خواهد بود. این مسئله گرچه در آثار قمی و برقی نیست، ولی به صرف نبودن چنین آثاری نمی‌توان آنان را منکر این باور دانست؛ زیرا از تعابیر دیگری همچون «صاحبکم بعدی» می‌توان به این باور پی برد.<sup>۲</sup>

۱/ ۸۹؛ «نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ؛ نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَشُهَدَاؤُهُ فِي خَلْقِهِ» (صقار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۶۱).

۱. همان، ۱/ ۹۰.

۲. برقی، احمد بن محمد، همان، ۲/ ۳۱۵؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۳۰۹، به نقل

از علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم.

## جایگاه امامت در نظام تکوین و تشریح

بخش سوم تعریف امامت، جایگاه امام در نظام تکوین و تشریح است. به باور امامیه، امامت در نظام تکوین و تشریح جایگاهی خاص دارد. در این بخش، نگاه حدیث‌نگاران قم با توجه به آثار سه شخصیت مهم این خطه نسبت به این موضوع بیان می‌شود.

بر اساس روایاتی که خط احمد اشعری نقل کرده‌اند، دین و دیانت مردم به امام واگذار شده است. بر پایه باور این خط فکری، بر همه لازم است از امام اطاعت<sup>۱</sup> و تبعیت کنند و تسلیم امر او باشند<sup>۲</sup> و او را تصدیق کنند.<sup>۳</sup> در نظر این گروه، امور دین (تشریعیات)<sup>۴</sup> و خزائن زمین (تکوینیات)<sup>۵</sup> به امام واگذار شده است. همچنین وجود امام مایه برکت، حیات و نور در زمین است.<sup>۶</sup> زمین - در برخی دیگر از روایات - ملک امام و از آن امام به حساب آمده است.<sup>۷</sup> مالکیت زمین به معنای ولایت امام بر زمین و صاحب اختیار بودن آن است و این نشان از گستره گسترده تصرف امامت است. در روایات دیگر، تصرفات امام به دنیا و آنچه درون آن است، توسعه داده شده و دنیا از آن امام معرفی شده است.<sup>۸</sup> مالکیت امام بر زمین و یا دنیا به معنای حق تصرف است و حق تصرف نیز نشان از گستره ولایت امامت است. از واژه «ارکان الارض»<sup>۹</sup> می‌توان برداشت کرد که احمد اشعری به تأثیر تکوینی وجود امام در زمین باور داشته است؛ زیرا امام همانند ستون خیمه مایه بقاء و ماندگاری زمین است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۲۰۶.

۲. همان، ص ۲۰۹ - ۳۹۰.

۳. همان، ص ۲۱۵.

۴. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۳۸۳.

۵. همان، ص ۳۷۵.

۶. همان، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۷. «الارض کلها لنا» (کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۴۰۷).

۸. «الدنيا وما فيها لله ولرسوله ولنا» (همان، ۱/ ۴۰۸).

۹. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۱۹۹.



امام - در نگاه ابراهیم بن هاشم و خط فکری او - افزون بر جایگاه تکوینی که در عالم دارد، همانند وابستگی بقای ارض و سماء به وجود امام<sup>۱</sup> و مالکیت امام بر نهرهای آب<sup>۲</sup> جایگاه تشریحی نیز دارد. بر طبق روایاتی که از این خط فکری به ما رسیده‌اند، بر مردم لازم است از امام اطاعت کنند.<sup>۳</sup> همچنین امور دین<sup>۴</sup> و هدایت<sup>۵</sup> مردم به امام سپرده شده است.

در خط فکری محمد بن خالد برقی - همانند اشعری و قمی - امامت، جایگاه قابل توجهی در نظام تشریح دارد. بنا بر آثار رسیده از این شخصیت، امام دارای مقام «افتراض الطاعة»<sup>۶</sup> بوده و بر مردم لازم است که تسلیم امر امام خود باشند<sup>۷</sup> و از او تبعیت کنند.<sup>۸</sup> از سوی دیگر، امورات دین نیز به امام تفویض شده است.<sup>۹</sup> از تعابیر دیگری می‌توان تأثیر امام در نظام تکوین را برداشت کرد. در برخی روایات، آمده که امام خازن خدا در زمین و آسمان است.<sup>۱۰</sup> خازن خدا بودن امام در زمین و آسمان برگستره امامت و تصرفات تکوینی امام دلالت دارد؛ به گونه‌ای که حق هر تصرفی بر زمین و آسمان را داراست.

با توجه به آنچه بیان شد، محدثان قم - در دوران شکوفایی مدرسه کلامی قم - به جایگاه تشریحی و تأثیر تکوینی امام معتقد بوده و دایره تصرفات امام را از مکلفان

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۱۷۹.

۲. همان، ص ۴۰۹.

۳. همان، ص ۱۸۵.

۴. همان، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۵. همان، ص ۱۹۱.

۶. همان، ص ۱۸۲، ۱۸۹؛ برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۹۲؛ صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۵۰۹.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۳۹۰؛ صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۵۲۳؛ برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/ ۲۷۱.

۸. همان، ۱/ ۸۹.

۹. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/ ۳۷۸.

۱۰. همان، ص ۱۰۴.

فراتر دانسته و به غیر مکلفان سرایت می‌داده‌اند. ایشان امام را صاحب منصب تشریح در دین دانسته و برای امام حق امر و نهی قائل بودند. همچنین به مقام افتراض طاعت برای امام معتقد بوده و باور داشتند که بر همه مکلفان لازم است از امام اطاعت و تبعیت کنند. از سوی دیگر، زمین و آسمان را در گستره تصرفات امام می‌دانسته و بقای زمین و آسمان را وابسته به وجود امام می‌دانستند.

### ویژگی‌های اصلی (شرایط)

«ویژگی‌های اصلی»، به ویژگی‌هایی گفته شده که با آنها امام در جایگاه امامت قرار می‌گیرند و با نبود آنها امامت نخواهد بود. در این بحث، به سه عنصر «نصب»، عصمت و علم» پرداخته می‌شود:

#### نصب

«نصب» به معنای انتخاب فرد از سوی خدا و برگزیدگی او برای منصب امامت است. به باور شیعه، خدای متعال امام را برای منصب امامت تعیین می‌کند. این مهم از آغاز در بیانات پیامبر و امامان علیهم‌السلام ریشه داشته و در ادامه، آشکارا در سخنان بزرگان دین پدیدار است. در میان محدثان قم نیز جای این موضوع خالی نبوده و محدثان بزرگ قم نیز مسئله نصب امام را به عنوان اصلی‌ترین شرط امامت مطرح کرده‌اند.

در روایاتی که از احمد اشعری -یکی از بزرگان محدثان قم- به دست آمده، می‌توان دریافت که در نگاه ایشان نصب امام از شرایط اصلی امامت بوده و تعبیر فراوانی در تبیین این موضوع روایات کرده‌اند، همچون «نصب الامام علماً لخلقه»<sup>۱</sup> یا «کلمای منهم امام نصب لخلقه من عقبه اماماً»<sup>۲</sup>. در روایاتی که توسط این شخصیت و شاگردان او نقل شده کلماتی همچون «نصب»، «اصطفاء»، «انتخاب»، «ارتضاء»، «ارتجاء»، «اصطناع» و «اختیار» به کار رفته که

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۲۰۳.

۲. همان.

هر یک به گونه‌ای معنای نصب را می‌رساند.<sup>۱</sup> برخی همانند «نصب»، «اصطفاء» و «ارتضاء» و «اختیار» دلالت مطابقی یا تضمینی بر نصب امام دارند و تعبیرهایی همچون «ارتجاء» و «اصطناع»، دلالت التزامی بر نصب امام دارند.<sup>۲</sup>

از دیگر محدثان قم - همچون علی بن ابراهیم و احمد برقی - روایاتی که صراحت بر نصب و اصطفاء داشته باشد، پیدا نشد، ولی چنان‌که پیش‌تر متذکر شدیم، تصریح به حجیت و خلافت امام از سوی امام، خود نصب و اصطفاء را در پی دارد؛ زیرا بدون نصب و برگزیده شدن، کسی به مقام حجیت و خلافت الهی نخواهد رسید. بنابراین، می‌توان گفت که محدثان قم نیز به نصب و اصطفاء تصریح یا اشاره داشته‌اند.

### عصمت

«عصمت»، از دیگر شاخصه‌های تعیین امام است. مسئله «عصمت» نیز از دیرباز میان امامیه مسئله قابل قبولی بوده و بر همین مسئله باور خود به امام را استوار می‌ساخته‌اند. این شاخصه نیز در آثار محدثان قم قابل مشاهده است.

در آثار به جا مانده از احمد اشعری، عباراتی آشکارا بر عصمت امام دلالت دارند. در نگاه ایشان و شاگردانشان، عصمت برای امام لازم و ضروری است.<sup>۳</sup> همچنین امام از سوی خداوند حفظ و حراست می‌شود و خداوند متعال، دام‌های

۱. همان، ۲۰۴/۱. «فَالْإِمَامُ هُوَ الْمُتَّجِبُ الْمُتَّصِي وَالْهَادِي الْمُتَّجِي وَالْقَائِمُ الْمُتَّجِي اضْطَفَأَهُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَأَضْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ فِي الدَّرَجِ حِينَ ذَرَأَهُ وَفِي الْبَرِيَّةِ حِينَ بَرَأَهُ ظِلًّا قَبْلَ خَلْقِ نَسَمَةٍ عَنْ يَمِينِ عَوْشِهِ مُحِبُّوًّا بِالْحِكْمَةِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ اخْتَارَهُ بِعِلْمِهِ وَانْتَجَبَهُ لظَهْرِهِ بِقِيَّةٍ مِنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَيْرَةً مِنْ ذُرِّيَّةِ نُوحٍ وَمُصْطَفَى مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَسُلَالَةٍ مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَصَفْوَةً مِنْ عَشْرَةِ مُحَمَّدٍ» (شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱/ ۲۱۷-۲۱۸).

۲. مازندرانی، ملامحمد صالح، شرح الکافی، ۵/ ۲۹۰؛ مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، ۲/ ۴۰۲.

۳. «الْإِمَامُ مِمَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا» (شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، معانی الاخبار، ص ۱۳۲).

شیطان را از او دور می‌کند.<sup>۱</sup> بنابراین، امام از هرگونه عیب و ذنبی ببری و به دور است.<sup>۲</sup> در برخی روایات نقل شده از این شخصیت برجسته قم، نمونه‌های از موارد عصمت بیان شده<sup>۳</sup> و ایشان براین باور هستند که «روح القدس» مایه تأیید امام است.<sup>۴</sup> همچنین تعبیر به «الصادقون»<sup>۵</sup> در روایاتی که از ایشان رسیده می‌تواند بر عصمت امام دلالت داشته باشد. این موضوع در کلمات دیگر محدثان قم نیز قابل مشاهده است. در آثار ابراهیم بن هاشم با تعبیر «طهرنا وعصمنا»<sup>۶</sup> و در آثار برقی با تعبیر «أَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ»<sup>۷</sup> از عصمت امامان عليهم السلام سخن به میان آمده است.

با این توضیح می‌توان دریافت که «عصمت امام» از شرایط امام است و شرطیت عصمت برای امام از دوران حضور امام مطرح بوده؛ نه این که در دوران پس از حضور در نزد شیعیان شکل گرفته باشد. این مسئله در نزد همه خطوط فکری مطرح شده است. بنابراین، با توجه به آثار برگرفته از محدثان قم، می‌توان قدمت اعتقاد به عصمت و توجیه معنای عصمت را استفاده کرد.

## علم

«علم» یکی دیگر از شروط تحقق «امامت» است. «علم» نیز نمود و بروز بسیاری در آثار کلامی متکلمان قم داشته که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود.

۱. «لَمْ يَزَلْ مَرْعِيًّا بَعِيْنِ اللّٰهِ يَحْفَظُهُ وَيَكْلُمُهُ بِسِتْرِهِ مَطْرُوداً عَنْهُ حَبَائِلُ اِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ مَدْفُوعاً عَنْهُ وَقُوبُ الْعَوَاسِقِ وَنُفُوثُ كُلِّ فَاسِقٍ مَضْرُوباً عَنْهُ قَوَارِفُ السُّوءِ مُبْرَأً مِنَ الْعَاهَاتِ مَحْجُوباً عَنِ الْاَفَاكِ مَعْصُوماً مِنَ الرِّلَالِ مَصُوناً عَنِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا مَعْرُوفاً بِالْحِلْمِ وَالْبِرِّ فِي يَفَاعِهِ مَنْسُوباً اِلَى الْعَفَافِ وَالْعِلْمِ وَالْفَضْلِ عِنْدَ اَنْتَهَائِهِ» (شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عليه السلام، ۱/ ۲۱۷ - ۲۱۸).

۲. «الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ» (همان، ۱/ ۲۱۹).

۳. همان، ۱/ ۲۱۳.

۴. همان.

۵. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۳۱.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۱۹۱.

۷. همان، ص ۲۶۹.

در آثاری که از احمد بن محمد بن عیسی اشعری به دست می‌آید، امام دارای علم گسترده بوده و محل جوشش و آبشخور علم الهی است.<sup>۱</sup> ایشان امام را خازن علم خداوند<sup>۲</sup> و مفسر و روحی الهی<sup>۳</sup> می‌دانند و بر همین اساس، می‌توان برداشت کرد که امام طریق آگاهی به مشیت الهی است. از این واژه می‌توان فهمید که در نگاه احمد اشعری و پیروانش، علم الهی آگاهی دارد و منحصر به آنهاست و برای به دست آوردن آن باید به امام مراجعه کرد.

در آثار به جا مانده از این شخصیت، می‌توان به نمونه‌هایی از علم امامان علیهم‌السلام پی برد؛ از جمله: علم بلایا و منایا و انساب و فصل الخطاب<sup>۴</sup>، علم به معانی و مقاصد قرآن<sup>۵</sup>، علم به تأویل آیات قرآن<sup>۶</sup>، علمی که از پدرانشان به ارث رسیده<sup>۷</sup>، علم به کتب آسمانی پیشین<sup>۸</sup>، علم به اسم اعظم الهی<sup>۹</sup>، آگاهی به هزار باب علم، علم به مصحف حضرت زهرا علیها‌السلام، جفر ابیض و احمر، علم به مصحف جامعه، علم لحظه به لحظه و آن به آن<sup>۱۰</sup>، آگاهی به علوم ملائکه و انبیا<sup>۱۱</sup>، علم الکتاب<sup>۱۲</sup>، علم به زمان مرگ خود<sup>۱۳</sup>، علم به آنچه بوده و آنچه خواهد شد و آنچه

۱. همان، ۱/ ۳۹۸-۳۹۹؛ حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۱۳۵.
۲. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۱/ ۲۷۹.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۱۹۲.
۴. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۱۱۸-۱۱۹.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۲۸.
۶. همان، ص ۲۱۳-۲۱۴.
۷. همان، ص ۲۲۱، ۲۲۴.
۸. همان، ص ۲۲۶.
۹. همان، ص ۲۳۰.
۱۰. همان، ص ۲۳۹-۲۴۰.
۱۱. همان، ص ۲۵۵؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، التوحید، ص ۱۳۸.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۲۵۷.
۱۳. همان، ص ۲۵۹.

در آسمان‌ها و زمین و در بهشت و جهنم هست و رخ خواهد داد،<sup>۱</sup> علم به منافع و مضار هر فرد،<sup>۲</sup> علم به پنهانی‌های هر فرد و گفت و گوهای پنهانی هر فرد با خود،<sup>۳</sup> علم به آجال،<sup>۴</sup> علم به حلال و حرام،<sup>۵</sup> علم به لغات مختلف،<sup>۶</sup> علم به زبان پرندگان<sup>۷</sup> و حیوانات<sup>۸</sup> و المسوخ.<sup>۹</sup>

افزون براین، به اعتقاد احمد اشعری و شاگردان او، علم امام زیاد می‌شود<sup>۱۰</sup> و قبض و بسط پیدا می‌کند.<sup>۱۱</sup> از آثار این گروه می‌توان دریافت که علوم امامان علیهم‌السلام انواعی دارد که عبارتند از ماضی، غابر و حادث.<sup>۱۲</sup> همچنین روح القدس،<sup>۱۳</sup> عمود نور،<sup>۱۴</sup> و نزول ملائکه در شب قدر<sup>۱۵</sup> راه‌هایی برای کسب علم امام هستند. همچنین از به کار رفتن واژه محدث<sup>۱۶</sup> در روایات نقل شده از این گروه، ارتباط امام با ملکوت قابل استفاده است؛ همچون رسالت و نبوت و چنان‌که بر انبیاء و رسل وحی نازل می‌شده، برای امامان علیهم‌السلام تحدیث خواهد بود. بنابراین، امامت منقطع از وحی

۱. همان، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۲۶۴.

۳. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ۱/ ۲۳۷.

۴. همان، ص ۲۶۴.

۵. همان، ص ۲۹۰.

۶. همان، ۳۳۷؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ۱/ ۲۲۸.

۷. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۳۴۲.

۸. همان، ص ۳۴۷.

۹. همان، ص ۳۵۳.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۲۵۴؛ صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ص ۳۹۲، ۳۹۵.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۵۶.

۱۲. همان، ص ۲۶۴.

۱۳. همان، ص ۲۷۲؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان، ۱/ ۲۱۳.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۸۷.

۱۵. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/ ۲۲۰.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۶۹.

نیست و به واسطه ملائکه به عالم غیب و ملکوت متصل است و علمی را از آنان دریافت می‌کند.

دیگر محدثان قم نیز درباره علم امام آثاری نگاشته‌اند. در نگاه علی بن ابراهیم قمی و پدرش (ابراهیم بن هاشم)، امام علم گسترده داشته<sup>۱</sup> و دارای انواع و نمونه‌هایی است؛ همچون علمی که به وراثت رسیده،<sup>۲</sup> علم به منافع و مضار،<sup>۳</sup> علم بلایا و منایا و انساب، علم به حقیقت ایمان و نفاق مردم،<sup>۴</sup> علم به کتب آسمانی گذشته،<sup>۵</sup> علم به مفاهیم قرآن،<sup>۶</sup> علم به جفر و مصحف حضرت زهرا علیها السلام،<sup>۷</sup> آگاهی به علوم ملائکه و رسل،<sup>۸</sup> علم به زمان مرگ،<sup>۹</sup> علم به حلال و حرام،<sup>۱۰</sup> علم به اعمال بندگان.<sup>۱۱</sup> در نگاه این خط فکری، علم امام انواعی دارد؛ همچون غایب، مزبور و نکت و نقر،<sup>۱۲</sup> از سوی دیگر، راه‌های کسب علم را روح القدس،<sup>۱۳</sup> عمود نور<sup>۱۴</sup> و نزول ملک<sup>۱۵</sup> می‌دانند و معتقد هستند که علم امام افزایش پیدا می‌کند.<sup>۱۶</sup>

در نگاه احمد برقی - محدث قمی - و پیروانش، امام علم گسترده داشته و علم

۱. همان، ص ۴۰۰.

۲. همان، ص ۱۷۲، ۲۲۱.

۳. همان، ص ۱۶۸.

۴. همان، ص ۲۲۳.

۵. همان، ص ۲۲۷.

۶. همان، ص ۲۲۹.

۷. همان، ص ۲۴۱.

۸. همان، ص ۲۵۶.

۹. همان، ص ۲۵۸.

۱۰. همان، ص ۲۶۲.

۱۱. همان، ص ۲۱۹.

۱۲. همان، ص ۲۶۴.

۱۳. همان، ص ۲۶۶، ۲۷۳.

۱۴. همان، ص ۳۸۸.

۱۵. همان، ص ۱۷۶.

۱۶. همان، ص ۲۵۵.

امام نمونه‌هایی دارد؛ از جمله، علمی که از طریق میراث به دست امامان علیهم‌السلام می‌رسد،<sup>۱</sup> علم به ملکوت،<sup>۲</sup> آگاهی به علوم ملائکه و انبیا،<sup>۳</sup> علم به کتب آسمانی،<sup>۴</sup> علم به آنچه در شب و روز رخ می‌دهد؛ لحظه به لحظه و آن به آن،<sup>۵</sup> علم به اسامی شیعیان،<sup>۶</sup> علم به معانی قرآن<sup>۷</sup> و تأویلات آن در هر زمان،<sup>۸</sup> علم به اسم اعظم،<sup>۹</sup> علم به همه کتاب و سنت پیامبر،<sup>۱۰</sup> علم الف باب،<sup>۱۱</sup> علم به لغات مختلف،<sup>۱۲</sup> علم منطق الطیر،<sup>۱۳</sup> علم به حلال و حرام<sup>۱۴</sup> و هر چه مردم به آن نیازمندند.<sup>۱۵</sup> از سوی دیگر، راه‌های کسب علم را تحدیث،<sup>۱۶</sup> الهام،<sup>۱۷</sup> عمود نور<sup>۱۸</sup> و روح القدس<sup>۱۹</sup> دانسته و معتقدند که علم امام قابل افزایش است.<sup>۲۰</sup>

۱. همان، ص ۲۲۲؛ صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۱۱۸؛ برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۲۳۵

۲. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/ ۱۰۷.

۳. همان، ص ۱۱۲.

۴. همان، ص ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۴۰.

۶. همان، ص ۱۷۳، ۳۹۰.

۷. همان، ص ۱۹۴.

۸. همان، ص ۱۹۵.

۹. همان، ص ۲۰۸.

۱۰. همان، ص ۳۰۱.

۱۱. همان، ص ۳۱۳.

۱۲. همان، ص ۳۳۸.

۱۳. همان، ص ۳۴۴.

۱۴. حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۵۷.

۱۵. برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/ ۲۳۴.

۱۶. همان، ص ۹۰، ۹۲، ۳۶۶.

۱۷. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/ ۳۲۶.

۱۸. همان، ص ۴۳۵.

۱۹. همان، ص ۴۵۱.

۲۰. همان، ۱/ ۳۹۴.



با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. مسئله علم امام و گستره، ویژگی‌ها و کیفیت و متعلقات آن میان محدثان قم یکسان بوده و همه محدثان به آن پایبند بودند. از این نکته می‌توان قدمت این باور را دریافت که در دوران حضور امامان علیهم‌السلام، عقیده به علم امام به چنین گستردگی و تنوعی وجود داشته است.

۲. مطالب پیش‌گفته و روایات ناظر به علم امام را می‌توان در چند بخش دسته‌بندی کرد. برخی از روایات به اصل علم امام، برخی به منابع علم امام و برخی نیز به متعلقات علم امام اشاره دارند. بنابراین، توجه به منابع و متعلقات علم امری است که در حوزه حدیثی قم به خوبی قابل مشاهده است.

۳. نکته دیگر، گستره علم امام است. با توجه به آنچه بیان شد، «علم امام» اطلاق زمانی، مکانی و احوالی دارد و همه زمان‌ها، اشیاء و انسان‌ها را در خود جای می‌دهد.

۴. نکته چهارم این که علم امام دارای منابعی همچون تحدیث و روح القدس است و متعلقاتی همچون آسمان و زمین، و بهشت و جهنم دارد. در این میان برخی موارد مشترک میان منابع و متعلقات هستند؛ همانند قرآن، صحف انبیای گذشته، مصحف حضرت فاطمه علیها‌السلام، و جفر و جامعه که هم متعلق علم امام‌اند و هم منبع علم امام. این سخن نیز به خوبی در آثار کلامی متکلمان قم قابل مشاهده است.

## ویژگی‌های دیگر

مقصود از ویژگی‌های دیگر، خصوصیت‌هایی هستند که لازمه تحقق امامت نیستند، ولی امام از آنها برخوردار است و می‌توانند از راه‌های شناخت امام به شمار آیند؛ مانند خلقت نوری و جسمانی امام که در روایات به عنوان یکی از ویژگی‌های امامان علیهم‌السلام معرفی شده است.

در روایاتی که محدثان قم نقل کرده‌اند، به برخی از ویژگی‌های امامت اشاره شده است. در آثاری که از احمد اشعری به جا مانده به اموری که جزء

نشانه‌های امامت به‌شمار می‌آیند، اشاره شده است؛<sup>۱</sup> همانند سلاح رسول خدا و پرچم و زره و کلاه خود ایشان و دیگر مواردی است. همچنین امام به‌عنوان فردی که دعای او مستجاب می‌شود، معرفی شده<sup>۲</sup> و نیز نشانه‌هایی به‌عنوان نشانه‌های امامت<sup>۳</sup> مشخص و معرفی شده‌اند. همچنین به‌خلقت جسمانی و نورانی امام اشاره شده و بیان شده که امام از آب بهشتی<sup>۴</sup> خلق شده و خلقت نورانی<sup>۵</sup> دارد. دیگر این‌که ابوابی از روایات مربوط به طینت امامان عليهم‌السلام و شیعیان را نقل کرده‌اند.<sup>۶</sup>

در آثار به‌جا مانده از ابراهیم بن هاشم، به «سلاح»<sup>۷</sup> به‌عنوان یکی از نشانه‌های امامت<sup>۸</sup> اشاره شده و این‌که ویژگی امام انتقال سلاح و کتاب از امامی به امام دیگر است.<sup>۹</sup> به‌خلقت سرشت امام نیز اشاره شده است.<sup>۱۰</sup>

در آثار برقی نیز به سلاح<sup>۱۱</sup> و زره رسول الله صلى الله عليه وآله به‌عنوان علائم امام اشاره شده و این‌که زره اختصاصی رسول خدا صلى الله عليه وآله مختص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و برتن

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عليه‌السلام، ۱/۲۱۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۲۳۳.

۳. همان، ص ۲۶۲.

۴. «إِمامٌ عَلَمَاتٌ مِنْهَا أَنْ يَكُونَ أَكْبَرُ وُلْدِ أَبِيهِ وَيَكُونَ فِيهِ الْفَضْلُ وَالْوَصِيَّةُ وَيَقْدَمَ الرِّكْبُ فَيَقُولُ إِلَيَّ مَنْ أَوْصَى فَلَانَ فَيُقَالُ إِلَيَّ فَلَانَ وَالسَّلَاحُ فَيَنَا بِمَنْزِلَةِ النَّابِوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ تَكُونُ الْإِمَامَةَ مَعَ السَّلَاحِ حَيْثُمَا كَانَ»؛ «... أَنْ يَكُونَ أَوْلَى النَّاسِ بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ...» (همان، ۱/۲۸۴).

۵. همان، ۱/۳۸۷.

۶. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، علل الشرایع، ۱/۱۳۴.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۳۸۹-۴۴۰.

۸. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ۱/۱۴.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۲۳۵، ۲۳۸.

۱۰. همان، ص ۲۸۴.

۱۱. همان، ۱/۲۹۷.

۱۲. همان، ص ۳۸۹.

۱۳. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/۱۷۶.

هیچ یک از امامان علیهم‌السلام اندازه نمی‌شود.<sup>۱</sup> همچنین به خلقت نوری امام<sup>۲</sup> نیز اشاره شده است.<sup>۳</sup>

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. نشانه‌های امامت نیز مورد توجه محدثان قم بوده است تا راه شناخت برای مردم هموار شود. برخی از علائم شناخت امام - همچون سلاح رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا موارث انبیا و یا وصیت آشکار امام سابق - به گونه‌ای است که برای همه قابل تشخیص است و به همین جهت، امامان علیهم‌السلام بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند و آن را متذکر شده‌اند، اما دیگر ویژگی‌ها مثل خلقت نورانی، به گونه‌ای نیستند که برای همه قابل تشخیص باشند و به همین سبب، امام آن را به عنوان یک ویژگی امام که مایه افزایش معرفت می‌شود، معرفی کرده است.

۲. نکته دیگر، دوران اعتقاد به این باور است. در میان محدثان قم و در عصر حضور امامان علیهم‌السلام چنین باوری وجود داشته که امام نشانه‌هایی دارد که منحصر به فرد هستند و هیچ فرد دیگری چنین ویژگی‌هایی را ندارد و راه شناخت امام به شمار می‌آید. این ویژگی‌ها همانند سلاح رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به گونه‌ای است که کسی ادعا ندارد و نمی‌تواند ادعا داشته باشد و اگر ادعا داشته باشد به سرعت منکوب شده و کذب ادعای او آشکار می‌شود.

۳. نکته قابل توجه دیگر، قدمت اعتقاد به خلقت نورانی امام است. براساس روایات به جا مانده از محدثان قم، امام دارای خلقت نورانی و طینت ویژه است و از همین رو، می‌توان برداشت کرد که محدثان قم به خلقت نورانی و ویژگی خاص طینت امام اعتقاد داشته و این اعتقاد در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام بوده و در آن دوران به صورت باوری برای شیعیان تبدیل شده است.

۱. همان، ص ۱۸۹.

۲. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۱۳۱.

۳. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/۱۳۱-۱۳۳، ۱۳۵.

## تولیت و انتقال

«تولی» منصب امامت و به عهده گرفتن امامت و همچنین انتقال امامت از امامی به امام دیگر نیز در هندسه اعتقادی شیعه شاخصه‌ها و راه‌هایی دارد. این شاخصه‌ها را می‌توان در سه شاخصه نص، اعجاز و افضلیت خلاصه کرد. به نظر می‌رسد که محدثان قم درباره این سه شاخصه تولی و انتقال منصب امامت دیدگاه‌هایی خاص داشته‌اند که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود.

### نص

در میان محدثان قم، احمد اشعری مسئله نص را در روایاتی که نقل کرده به خوبی نشان داده است. در این روایات بیان شده که در زمان تولی امام، امام بعدی صامت است، ولی پس از وفات امام، امر الهی به امام بعدی منتقل شده و او زمام‌دار دین می‌شود و حجت بر مردم می‌شود. همچنین امام لاحق با «روح القدس» تأیید می‌شود و علم امامت و فصل الخطاب از امام قبلی به او منتقل می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین، امام به امام بعدی خود آگاهی دارد<sup>۲</sup> و بر امام بعدی نص و تصریح می‌کند.<sup>۳</sup> همچنین بیان شده که امام باید معصوم باشد و علت شرطیت نص امام قبلی، پنهان بودن عصمت است.<sup>۴</sup>

در آثار رسیده از ابراهیم بن هاشم، به این سخن پرداخته شده که امامت دارای

۱. «مُسْنَدًا إِلَيْهِ أَمْرٌ وَالِدِهِ صَامِتًا عَنِ الْمُنْطِقِ فِي حَيَاتِهِ فَإِذَا انْقَضَتْ مُدَّةُ وَالِدِهِ إِلَى أَنْ انْتَهَتْ بِهِ مَقَادِيرُ اللَّهِ إِلَى مَشِيئَتِهِ وَجَاءَتِ الْإِرَادَةُ مِنَ اللَّهِ فِيهِ إِلَى مَحَبَّتِهِ وَبَلَغَ مُنْتَهَى مُدَّةِ وَالِدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَوَّى وَصَارَ أَمْرُ اللَّهِ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِهِ وَقَلَدَهُ دِينَهُ وَجَعَلَهُ الْحُجَّةَ عَلَى عِبَادِهِ وَقِيمَهُ فِي بِلَادِهِ وَأَيَّدَهُ بِرُوحِهِ وَأَتَاهُ عِلْمُهُ وَأَنْبَأَهُ فَضْلَ بَيَانِهِ وَاسْتَوْدَعَهُ سِرَّهُ وَانْتَدَبَهُ لِعَظِيمِ أَمْرِهِ وَأَنْبَأَهُ فَضْلَ بَيَانِ عِلْمِهِ وَنَصَبَهُ عِلْمًا لِيَخْلُقِهِ وَجَعَلَهُ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ عَالَمِهِ وَضِيَاءً لِأَهْلِ دِينِهِ وَالْقِيمَ عَلَى عِبَادِهِ رَضِيَ اللَّهُ بِهِ إِمَامًا لَهُمْ اسْتَوْدَعَهُ سِرَّهُ وَاسْتَحْفَظَهُ عِلْمَهُ وَاسْتَحْبَأَهُ حِكْمَتَهُ وَاسْتَرْعَاهُ لِدِينِهِ وَانْتَدَبَهُ لِعَظِيمِ أَمْرِهِ وَأَخْبَأَ بِهِ مَنَاهِجَ سَبِيلِهِ وَقَرَأَ نَصُّهُ وَخُدُودَهُ» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۲۰۴).

۲. همان، ۱/ ۲۷۷.

۳. همان، ص ۲۸۸؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عليه السلام، ۱/ ۲۱۷؛ همو، کمال الدین وتمام النعمة، ۱/ ۲۱۳.

۴. همو، معانی الاخبار، ص ۱۳۲.

نصوصی از قرآن و روایات است.<sup>۱</sup>

در خط فکری برقی بیان شده که امامت به وصیت امام قبلی است<sup>۲</sup> و علم امام به امام بعدی منتقل می‌شود.<sup>۳</sup>

با توجه به آثار سه شخصیت حدیثی قم، می‌توان به نکاتی دست یافت:

۱. مسئله نصب و نص دو مقوله جدا از هم‌اند که یکی متفرع بردیگری است. نص، نتیجه نصب است و نبی یا امام با نص خود بر امام بعدی از نصب الهی خبر می‌دهد.

۲. در یک زمان ممکن است حجّت‌های الهی در کنار هم قرار بگیرند، ولی دو امام در یک زمان در کنار هم نیستند؛ وگرنه نص امام بر امام بعد خود بی‌معنا است؛ زیرا با فرض تعدد امامان در یک زمان، در زمان امام سابق، امام بعدی امام است و باید به امامت فعلی امام لاحق از آغاز امامت امام سابق تصریح شود؛ نه این که به امامت او پس از امام سابق تصریح شود. بنابراین، نص امام بر امام پس از خود قرینه‌ای است بر این که دو امام در یک زمان نخواهند بود. این سخن، قرائن دیگری نیز دارد که در جای خود به آن پرداخته شده است.

۳. علم امامت متفاوت با علم حجّیت امام است. امام برخوردار از علمی ویژه است که با انتقال امامت، به امام لاحق منتقل می‌شود. همچنین روح القدس نیز به همین شکل است. نوعی از روح القدس مخصوص منصوب امامت است و با انتقال آن منتقل می‌شود.

۴. نص امام، مسئله‌ای است که در قرآن نیز ریشه دارد. در آیات متعددی از قرآن کریم و احادیث رسول خدا ﷺ، به لزوم نص امامت و کسانی که به آنها نص شده پرداخته شده است.<sup>۴</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۸۷.

۲. صفّار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ۱/ ۴۷۳.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۷۷.

۴. صفّار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/ ۵۱۵.

## اعجاز

شاخصه دیگر تولیت و انتقال امامت «اعجاز» است. شناخت امام در صورتی که نص نباشد، به کمک اعجاز صورت می‌گیرد. در میان محدثان قم، احمد اشعری به بیشترین آثار دلالت‌کننده بر اعجاز اشاره دارد. او و پیروانش در آثار نقل شده، معجزات متعددی را به امامان علیهم‌السلام نسبت داده‌اند که از مجموعه آنها می‌توان دریافت که به اعجاز برای امام باور داشته‌اند. در آثار به جا مانده از این خط فکری، نمونه‌هایی از اعجاز امامان علیهم‌السلام بیان شده است همچون: نطق حجر الاسود،<sup>۱</sup> اخبار از غیب،<sup>۲</sup> نطق عصا،<sup>۳</sup> اخبار از اسرار درونی افراد،<sup>۴</sup> تصرف در درخت،<sup>۵</sup> علم به آجال مردم،<sup>۶</sup> شفای بیمار و احیای موتی،<sup>۷</sup> علم به لغات مختلف،<sup>۸</sup> طی الارض و سیر در عوالم،<sup>۹</sup> تصرف در کون و مکان و سحاب و ...<sup>۱۰</sup>

علی بن ابراهیم قمی - محدث بزرگ قمی - نیز به نمونه‌هایی از اعجاز امامان علیهم‌السلام و از جمله از جاکنده شدن درخت به اذن امام اشاره کرده است.<sup>۱۱</sup> آثار به دست آمده از برقی نیز خالی از مسئله اعجاز امام نیستند و در آن اخبار امام از غیب<sup>۱۲</sup> به چشم می‌خورد.

از این رو، می‌توان دریافت که مسئله «اعجاز» مورد پذیرش محدثان قمی بوده

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۳۸۴.

۲. همان، ص ۳۵۱.

۳. همان، ص ۳۵۳.

۴. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ۱/ ۲۴۷.

۵. همان، ص ۲۵۳.

۶. همان، ص ۲۶۴.

۷. همان، ص ۲۶۹.

۸. همان، ص ۳۳۷.

۹. همان، ص ۴۰۱.

۱۰. همان، ص ۴۰۹.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۳۵۳.

۱۲. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، همان، ۱/ ۲۳۶، ۲۴۲.

است. حاصل این‌که، اعتقاد به اعجاز برای امام - با توجه به حساسیت فوق‌العاده محدثان قم در برابر غلو و مبارزه با روایت‌های ضعیف و غلوآمیز - نه تنها غلوآمیز نبوده، بلکه در عصر حضور مسئله‌ای قابل پذیرش شیعیان و از باورهای آنان به شمار می‌آمده است. براین اساس، توجه به روایاتی که محدثان قم نقل کرده‌اند، سهم بسزایی در بازشناسی عقیده شیعیان دارد. از سوی دیگر، اعجاز به اعتقاد محدثان قم، امری منحصر در انبیاء نبوده و امام نیز می‌تواند - برای اثبات مقام امامت خود - اعجاز داشته باشد.

### افضلیت

در میان کلمات محدثان قم، تصریحی بر افضلیت امام بردیگر مردم پیدا نشد، اما بر اساس ویژگی‌هایی که برای امام قائل هستند، می‌توان افضلیت امام را برداشت کرد. محدثان قم، به حجیت و خلافت الهی امام و علم ویژه و گسترده امام و عصمت او قائل هستند. این نکات می‌تواند به افضلیت امام اشاره داشته باشد؛ زیرا - با توجه به آیات ۳۰-۳۶ سوره بقره - خلیفه خدا افضلیت بر همه خلق حتی بر ملائکه را پیدا می‌کند. از سوی دیگر، نص و اعجاز نیز حاکی از برتری امام هستند. این که فردی به امامت معرفی شود و به او قدرتی داده شود که بر امور خارق‌العاده توانمند شود، نشان از برتری او بردیگر مردم است. بنابراین، به رغم آن که در باب افضلیت امام صراحتی در روایات محدثان قم دیده نمی‌شود، اما می‌توان آن را به محدثان قم نسبت داد.

### جمع بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. تعریف امامت - در میان محدثان قم - بسیار جامع‌تر و گسترده‌تر از تعریفی است که در میان متکلمان معرفی شده است.
۲. متکلمان، امامت را تنها در دنیا منحصر کردند، اما بر اساس دیدگاه محدثان قم، امامت در قیامت نیز تأثیرگذار است؛ زیرا یکی از مفاهیم کلیدی محدثان پیرامون امام و امامت، «شهداء الله» است که افزون بر

این که کیفیت شهادت امام متفاوت با دیگر گواهان است، نتیجه و ثمره شهادت امام در روز قیامت آشکار می‌شود. «امام» - در تعریف متکلمان - خلیفه رسول خدا معرفی شده است؛ در حالی که در مفاهیم کلیدی برگرفته از دیدگاه محدثان، امام خلیفه خدا بر روی زمین و حجّت خدا معرفی شده است.

۳. در این که در هر زمان تنها یک امام امامت دارد، میان محدثان و متکلمان تفاوتی نیست، ولی در میان محدثان تصریح شده فردی که به امامت نرسیده، امام صامت و حجّت خدا بر روی زمین است؛ در حالی که متکلمان به این مطلب اشاره نکرده‌اند.

۴. محدثان، امامت را مقام خلافت و حجّت الهی معرفی کرده‌اند که این بیان از باور محدثان قم به جایگاه عظیم امامت بوده و انحصاری و اختصاصی بودن این مقام را نشان می‌دهد؛ زیرا حجّت و خلافت الهی، مسئله عمومی نبوده و مختص گروه خاصی از افراد است.

۵. امام، در دیدگاه محدثان قم، جایگاه هدایت‌گری دارد که با متکلمان تفاوتی در این موضوع نیست، اما محدثان اضافه بر هدایت‌گری، برای امام جایگاه طریقت به سوی خدا و سخنگویی از طرف خداوند قائل هستند. این سخن گرچه در عبارات متکلمان نیست، ولی از این که متکلمان جعل و نصب امام از سوی خداوند متعال را لازم می‌دانند، می‌توان دریافت که آنان نیز امام را سخنگوی خدا و طریق به بندگی ایشان می‌دانند.

۶. امامت امام، در دیدگاه محدثان، همه مخلوقات - اعم از جن و انس و ملک - را در بر می‌گیرد؛ در حالی که در آثار متکلمان سخنی که اشاره به این باور داشته باشد به دست نمی‌آید.

۷. در بخش شرایط امام، محدثان همانند متکلمان نصب و علم و عصمت را از شرایط امام می‌دانند؛ گرچه درباره علم امام، محدثان دامنه علم را بسیار گسترده‌تر از متکلمان تبیین کرده‌اند. همچنین می‌توان چنین نتیجه گرفت که پیش از متکلمان، محدثان نظریه علم امام را ارائه



و آن را به شکل گسترده شرح و بسط داده و برای آن منابع و متعلقات بیان کرده‌اند. بنابراین، نظریه علم امام و گستردگی آن، به دوران حضور امامان علیهم‌السلام باز می‌گردد.

۸. محدثان برای شناسایی امام، ویژگی‌هایی را بیان کرده‌اند؛ همچون سلاح رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همچنین امام را دارای خلقت نورانی و ویژه معرفی کرده‌اند و برای امام، اعجاز و قدرت فوق العاده قائل هستند. با توجه به حساسیت ویژه محدثان قم در برابر مفاهیم غلوآمیز، می‌توان برداشت کرد که این باورها - که به زعم گروهی، مفاهیم غلوآمیزاند - برای محدثان قم که از یک سو، نسبت به غلو و غالیان حساسیت ویژه داشتند و از سوی دیگر، به دوران حضور امامان علیهم‌السلام نزدیکی بیشتری داشته‌اند، هیچ‌گونه غلوی در بر ندارد. افزون بر این، قدمت زمانی باور به این اعتقادات را می‌توان برداشت کرد.

۹. راه شناخت امام - در نگاه محدثان قم - نص و تصریح امام قبل‌ی و یا اعجاز خود امام است. بنابراین، اعجاز منحصر در نبی و رسول نبوده و می‌توان امام را صاحب اعجاز دانست.

۱۰. افضلیت امام - در تعبیر متکلمان - به شکلی پررنگ مطرح شده است؛ در حالی که در آثار محدثان کمتر به این عنوان پرداخته شده است و شاید سبب کم پرداختن محدثان به این عنوان، این باشد که تشخیص افضلیت یک فرد، به نصب او بر امامت، علم، عصمت و دیگر ویژگی‌های ممتاز او بسته است، پس با اثبات این عناوین افضلیت آن فرد نیز روشن خواهد شد.

\*قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، اعتقادات الامامية، چاپ دوم: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، تصحیح: سید هاشم حسینی تهرانی، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۵۷ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، کتاب فروشی داورى، قم، ۱۳۸۵ ش.  
ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین وتمام التعمه، تحقیق: علی اکبر غفاری، الطبعة الثانية: الإسلامية، تهران، ۱۳۹۵ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانى الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ش.

ابن بابویه قمی، علی بن حسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، مركز اطلاعات و مدارك اسلامي، قم، ۱۴۰۴ق.

اشعری، احمد بن محمد اشعری قمی، النوادر، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، الطبعة الرابعة: دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.

المجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، الطبعة الثانية: مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

البرقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: جلال الدین محدث، دارالکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.

حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، تحقیق: مشتاق مظفر، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۱ ق.

سبحانی، محمد تقی و دیگران، مدرسه کلامی قم، انتشارات مؤسسه دارالحديث، قم، ۱۳۹۷ ش.

سبحانی، محمد تقی و دیگران، مدرسه کلامی کوفه، انتشارات مؤسسه دارالحديث، قم، ۱۳۹۶ ش.

صفا قرمی، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تصحیح: محسن کوچه باغی، الطبعة الثانية: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.